



پیش‌ها و پانچ‌ها

پایگاه اطلاع‌رسانی دفتر منصوب‌ها شیخ خیرالدين حفظه الله تعالى

موضوع:

احکام؛ طهارات و نجاسات

بسم الله الرحمن الرحيم

پرسش

نویسنده: ابو حسن الحسانی

تاریخ: ۱۳۹۶/۳/۱۳

نجاست‌ها در اسلام چه چیزهایی هستند و آیا جسم متنجس با هر نوع نجاستی قابل نقل نجاست است؟

پاسخ

تاریخ: ۱۳۹۶/۳/۲۳

نجس بودن چیزی در شرع به معنای مانع بودن آن از نماز با توجه به پلیدی مادی یا معنوی آن است که جنبه‌ی حکمی دارد و با بیانی از جانب خداوند معلوم می‌شود و تبعاً دور کردن آن از بدن، لباس و مکان برای نماز واجب است؛ چنانکه خداوند فرموده است: ﴿وَرَبَّكَ فَكَبِّرْ ۖ وَتِبَابَكَ فَطَهِّرْ ۖ وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ﴾؛ «و پروردگارت را تکبیر گوی و جامه‌ات را تطهیر کن و از پلیدی دوری جوی».

اما چیزهای نجس در اسلام ۱۰ چیزند:

۱، ۲ و ۳. بول، غائط و منی با توجه به اینکه خداوند طهارت جستن از آن‌ها را واجب کرده و فرموده است: ﴿وَإِنْ كُنْتُمْ جُنُبًا فَاطَّهَّرُوا وَإِنْ كُنْتُمْ مَرْضَىٰ أَوْ عَلَىٰ سَفَرٍ أَوْ جَاءَ أَحَدٌ مِنْكُمْ مِنَ الْغَائِطِ أَوْ لَامَسْتُمُ النِّسَاءَ فَلَمْ تَجِدُوا مَاءً فَتَيَمَّمُوا صَعِيدًا طَيِّبًا فَامْسَحُوا بِوُجُوْهِكُمْ وَأَيْدِيكُمْ مِنْهُ مَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيَجْعَلَ عَلَيْكُمْ مِنْ حَرَجٍ وَلَكِنْ يُرِيدُ لِيُطَهِّرَكُمْ﴾؛ «و اگر جنب بودید پس طهارت جویید و اگر بیمار یا در سفری بودید یا یکی از شما از تخلی آمد یا با زنان درآمیختید، پس آبی نیافتید پس با خاکی پاکیزه تیمم کنید، پس بر روی‌هاتان و دست‌هاتان از آن بکشید، خداوند نمی‌خواهد که بر شما تنگنایی قرار دهد، ولی می‌خواهد که شما را تطهیر کند»؛ خصوصاً با توجه به اینکه بول و غائط در نظر همه‌ی عاقلان مقتضی تطهیر محسوب می‌شوند، تا جایی که می‌توان نجاست آن دو را

۱. المذتّر / ۳-۵

۲. المائدة / ۶

از فطریات و ارتکازات عقلایی دانست و با این وصف، دور کردن آن دو از خود پیش از رفتن به نماز بنا بر «وَالرُّجْزَ فَاهْجُرْ»؛^۱ «و از پلیدی دوری جوی» واجب است و منی نیز هر چند مانند آن دو پسمانده نیست، از مجرای بول خارج می‌شود و بناء همه‌ی مسلمانان بلکه همه‌ی عاقلان بر زدودن آن از بدن، لباس و مکان است و با این وصف، استدلال برخی برای پاک بودن آن به روایت عایشه که گفته است: «كُنْتُ أَفْرُكُ الْمَنِيِّ مِنْ ثَوْبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»؛^۲ «من منی را از لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌کندم» قابل قبول نیست؛ زیرا این روایت او فارغ از تعارضش با روایت دیگر او که گفته است: «إِنَّهَا كَانَتْ تَغْسِلُ الْمَنِيَّ مِنْ ثَوْبِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَسَلَّمَ»؛^۳ «او منی را از لباس رسول خدا صلی الله علیه و آله و سلم می‌شست»، بر پاک بودن منی دلالتی ندارد؛ چراکه نجاست هرگاه کاملاً خشکیده باشد، با کندن نیز برطرف می‌شود و نیازمند به شستن نیست؛ با توجه به اینکه مقصود از تطهیر صرفاً ازاله‌ی نجاست است. همچنین، استدلال برخی برای پاک بودن آن به اینکه اصل انسان است و طهارت و کرامت انسان اقتضا می‌کند که اصلش پاک باشد، قابل قبول نیست؛ زیرا از یک سو اصل انسان خاک است که پاک و پاک کننده است و از سوی دیگر منی پیش از تبدیل شدن به انسان، به خون تبدیل می‌شود که از نجاسات است و با این وصف، طهارت انسان مستلزم طهارت اصل او نیست، بلکه ناشی از استحاله و انقلاب آن است؛ همچنانکه کرامت انسان ناشی از عقل اوست، نه ناشی از اصل او که مانند اصل سایر جانوران از مخرج بول خارج می‌شود و خداوند آن را «مَاءٍ مَّهِينٍ»؛^۴ «آب پست و بی‌ارزش» نامیده است!

۴، ۵ و ۶. خون، گوشت خوک و مردار به معنای حیوان مرده‌ای که ذبح نشده یا برای غیر خداوند ذبح شده؛ با توجه به اینکه خداوند از یک سو آن‌ها را حرام کرده و فرموده است: «حُرِّمَتْ عَلَيْكُمُ الْمَيْتَةُ وَالدَّمُ وَلَحْمُ الْخِنْزِيرِ وَمَا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ وَالْمُنْخَنِقَةُ وَالْمَوْقُوذَةُ وَالْمُتَرَدِّيَةُ وَالنَّطِيحَةُ وَمَا أَكَلَ السَّبُعُ إِلَّا مَا ذَكَّيْتُمْ وَمَا ذُبِحَ عَلَى النُّصُبِ»؛^۵ «حرام شد بر شما مردار و خون و گوشت خوک و چیزی که برای غیر خداوند بر آن بانگ زده شده و خفه شده و زده شده و پرتاب شده و شاخ زده شده و چیزی که درنده خورده مگر آنچه به ذبحش برسد و چیزی که بر بت‌ها ذبح شده» و فرموده است: «قُلْ لَا أَجِدُ فِي مَا أُوحِيَ إِلَيَّ مُحَرَّمًا عَلَى طَاعِمٍ يَطْعَمُهُ إِلَّا أَنْ يَكُونَ مَيْتَةً أَوْ دَمًا مَسْفُوحًا أَوْ لَحْمَ خِنْزِيرٍ فَإِنَّهُ رِجْسٌ أَوْ فِسْقًا أُهْلَ لِغَيْرِ اللَّهِ بِهِ»؛^۶ «بگو در چیزی که به من وحی شده است چیزی که بر خورنده‌ی آن حرام باشد نمی‌یابم مگر اینکه مرداری یا خونی ریخته شده

۱. المذثر / ۵

۲. مسند الشافعی، ص ۳۴۵؛ مسند أحمد، ج ۶، ص ۱۲۵؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۹۲

۳. مسند أحمد، ج ۶، ص ۱۶۲؛ صحيح البخاري، ج ۱، ص ۶۳؛ سنن أبي داود، ج ۱، ص ۹۲

۴. المرسلات / ۲۰

۵. المائدة / ۳

۶. الأنعام / ۱۴۵

یا گوشت خوکی باشد؛ چراکه آن پلید است یا فسقی باشد که برای غیر خداوند بر آن بانگ زده شده» و از سوی دیگر حرام کردن آن‌ها را به سبب ناپاک بودنشان دانسته و فرموده است: **«يَسْأَلُونَكَ مَاذَا أَحَلَّ لَهُمْ قُلْ أُحِلَّ لَكُمْ الطَّيِّبَاتُ»**^۱؛ «از تو می‌پرسند که چه چیزی برایشان حلال شد، بگو چیزهای پاک برایتان حلال شد» و فرموده است: **«قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ الَّتِي أَخْرَجَ لِعِبَادِهِ وَالطَّيِّبَاتِ مِنَ الرِّزْقِ»**^۲؛ «بگو چه کسی زینت خداوند که برای بندگانش بیرون آورده و روزی‌های پاک را حرام کرده؟!» و فرموده است: **«وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ»**^۳؛ «و چیزهای پاک را برایشان حلال و چیزهای ناپاک را بر آنان حرام می‌کند» و با این وصف، از حرام بودن چیزی در اسلام، ناپاک بودن آن معلوم می‌شود و این مبنای بدیع منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که خداوند ما را به آن هدایت فرمود؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«سَأَلْتُ الْمَنْصُورَ الْهَاشِمِيَّ الْخُرَاسَانِيَّ عَنِ النَّجَاسَاتِ، فَقَالَ: كُلُّ مَا حَرَّمَ اللَّهُ أَكَلَهُ أَوْ شُرْبَهُ فَهُوَ نَجَسٌ، قُلْتُ: لِمَذَا؟! قَالَ: لِقَوْلِهِ تَعَالَى: «وَيُحِلُّ لَهُمُ الطَّيِّبَاتِ وَيُحَرِّمُ عَلَيْهِمُ الْخَبَائِثَ»^۴؛ «از منصور هاشمی خراسانی درباره‌ی نجاسات پرسیدم، پس فرمود: هر چیزی که خداوند خوردن یا آشامیدنش را حرام کرده، نجس است، گفتم: به چه دلیل؟! فرمود: به دلیل سخن او که فرموده است: <و چیزهای پاک را برایشان حلال و چیزهای ناپاک را بر آنان حرام می‌کند>».

۷، ۸ و ۹. بت، خمر و آلات قمار با توجه به سخن خداوند که فرموده است: **«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْخَمْرُ وَالْمَيْسِرُ وَالْأَنْصَابُ وَالْأَزْلَامُ رِجْسٌ مِنْ عَمَلِ الشَّيْطَانِ فَاجْتَنِبُوهُ لَعَلَّكُمْ تُفْلِحُونَ»**^۵؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! جز این نیست که خمر و قمار و بت‌ها و تیرهای بخت‌آزمایی چیزهای پلیدی ساخته‌ی شیطان هستند، پس از آن‌ها دوری کنید باشد که رستگار شوید» و فرموده است: **«فَاجْتَنِبُوا الرِّجْسَ مِنَ الْأَوْثَانِ وَاجْتَنِبُوا قَوْلَ الزُّورِ»**^۶؛ «پس از پلیدی بت‌ها دوری کنید و از گفتار باطل دوری کنید» و این از حکمت‌های خاص منصور هاشمی خراسانی حفظه الله تعالی است که خداوند ما را به آن هدایت فرمود؛ چنانکه یکی از یارانمان ما را خبر داد، گفت:

«مَرَّ الْمَنْصُورُ عَلَى تِمَثَالٍ لِبَعْضِ أَيْمَةِ الْجَوْرِ قَدْ نُصِبَ فِي شَارِعٍ فَمَسَّهُ بِيَدِهِ لِيَدُلَّنَا عَلَيْهِ وَقَالَ: مَنْ مَثَلٌ تِمَثَالًا مِثْلَ هَذَا فَقَدْ أَشْرَكَ، ثُمَّ دَخَلَ مَسْجِدًا لِيُصَلِّيَ فَلَمَّا أَرَادَ

۱. المائدة/ ۴

۲. الأعراف/ ۳۲

۳. الأعراف/ ۱۵۷

۴. گفتار ۷۴، فقره‌ی ۱

۵. المائدة/ ۹۰

۶. الحج/ ۳۰



أَنْ يَدْخُلَ فِي الصَّلَاةِ ذَكَرَ شَيْئًا فَأَنْصَرَفَ حَتَّى غَسَلَ يَدَهُ ثُمَّ جَاءَ فَقَالَ: إِنِّي ذَكَرْتُ أَنِّي مَسَسْتُ رَجُلًا مِنَ الْأَوْتَانِ فَأَرَدْتُ أَنْ أُغْسِلَ يَدِي، ثُمَّ دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ، فَلَمَّا فَرَعَ مِنْهَا أَقْبَلَ عَلَيْنَا وَقَالَ: إِنَّ الْمُسْتَوْدَ الْعِجْلِيَّ تَنَصَّرَ بَعْدَ إِسْلَامِهِ، فَبَعَثُوا بِهِ إِلَيَّ، فَاسْتَنَابَهُ وَهُوَ يَرِيدُ الصَّلَاةَ فَأَبَى عَلَيْهِ، فَقَالَ عَلِيٌّ: إِنِّي أَسْتَعِينُ بِاللَّهِ عَلَيْكَ، فَقَالَ الْمُسْتَوْدُ: وَأَنَا أَسْتَعِينُ الْمَسِيحَ عَلَيْكَ، فَأَهْوَى عَلَيَّ بِيَدِهِ إِلَى عُنُقِهِ فَإِذَا هُوَ بِصَلِيبٍ فَقَطَعَهَا، فَلَمَّا دَخَلَ فِي الصَّلَاةِ قَدَّمَ رَجُلًا وَذَهَبَ، ثُمَّ أَخْبَرَ النَّاسَ أَنَّهُ لَمْ يَفْعَلْ ذَلِكَ لِحَدَثٍ أَحَدَثَهُ، لَكِنَّهُ مَسَّ هَذِهِ الْأَنْجَاسَ فَأَحَبَّ أَنْ يُحَدِّثَ مِنْهَا وُضُوءًا، قُلْنَا: وَمَا فَعَلَ بِالْمُسْتَوْدِ؟ قَالَ: قَتَلَهُ فَطَلَبَتِ النَّصَارَى جِيفَتَهُ بِثَلَاثِينَ أَلْفًا فَأَبَى عَلِيٌّ وَأَحْرَقَهُ»؛ «منصور بر مجسمه‌ی یکی از امامان جور که در خیابانی نصب شده بود گذشت، پس آن را با دستش لمس کرد تا به ما نشانش دهد و فرمود: هر کس مجسمه‌ای مانند این بسازد مشرک شده است، سپس به مسجدی درآمد تا نماز گزارد، پس چون خواست وارد نماز شود چیزی را به یاد آورد، پس برگشت تا اینکه دستش را شست، سپس بازآمد پس فرمود: من به یاد آوردم که نجاستی از بت‌ها را لمس کردم، پس خواستم که دستم را بشویم، سپس به نماز وارد شد، پس چون از آن فراغت یافت به ما روی کرد و فرمود: مستورد عجل‌ی پس از اسلامش مسیحی شد، پس او را به نزد علی فرستادند، پس در حالی که راهی نماز بود از او خواست که توبه کند، ولی سر باز زد، پس علی فرمود: من از خداوند بر ضدّ تو یاری می‌خواهم، پس مستورد گفت: من از مسیح بر ضدّ تو یاری می‌خواهم، پس علی دستش را به گردن او برد، پس صلیبی را یافت، پس آن را پاره کرد، پس چون به نماز درآمد مردی را پیش کرد و خود رفت، سپس مردم را خبر داد که این کار را به خاطر حدّثی که از او سر زده باشد انجام نداد، بلکه این نجاست‌ها را لمس کرد، پس خواست که وضوی خود را از آن‌ها تازه کند، گفتیم: با مستورد چه کرد؟ فرمود: او را کشت، پس مسیحیان جسد او را به سی هزار (سکّه) مطالبه کردند، ولی علی سر باز زد و آن را سوزاند».

۱۰. مشرک به معنای کافر غیر کتابی با توجه به سخن خداوند که فرموده است: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِنَّمَا الْمُشْرِكُونَ نَجَسٌ فَلَا يَقْرَبُوا الْمَسْجِدَ الْحَرَامَ بَعْدَ عَامِهِمْ هَذَا﴾؛ «ای کسانی که ایمان آوردید! جز این نیست که مشرکان نجس هستند، پس بعد از این سالشان به مسجد الحرام نزدیک نشوند» و فرموده است: ﴿كَذَلِكَ يَجْعَلُ اللَّهُ الرِّجْسَ عَلَى الَّذِينَ لَا يُؤْمِنُونَ﴾؛ «این گونه خداوند پلیدی را بر کسانی قرار می‌دهد که ایمان نمی‌آورند».

۱. گفتار ۷۴، فقره‌ی ۶

۲. التوبة / ۲۸

۳. الأنعام / ۱۲۵

۴. در این باره، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۱۶۲. همچنین، بنگرید به: پرسش و پاسخ ۲۲۵.

طبیعی است که هرگاه چیزی از این نجاسات ده گانه به چیزی پاک سرایت کند، آن را متنجس می‌سازد، اگرچه با واسطه‌ی چیزی متنجس به مثابه‌ی یک ناقل باشد؛ زیرا معنای تنجس، چیزی جز آلوده شدن به عین نجاست نیست، خواه بدون واسطه واقع شود و خواه با واسطه، ولی تماس با نجاست بدون سرایت چیزی از آن، موجب تنجس نمی‌شود، هر چند بدون ضرورت شایسته نیست؛ زیرا مقصود خداوند از نجس شمردن آن، دور کردن مردم از آن بوده است و با این وصف، تماس با آن جز از سر ضرورت یا برای تطهیر وجهی ندارد.



پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب شاه شیخ جعفر سبزواری
مجله مجتبی با حکم شاه و سرکارها



www.alkhorasani.com

پایگاه اطلاع رسانی دفتر منصوب شاه شیخ جعفر سبزواری حفظه الله تعالى



* لطفاً بر روی لینک مورد نظر خود کلیک کنید.